

بررسی حقوق کودکان

نرجس فائون غفاری (نویسنده مسئول)

دبیر آموزش و پرورش استان فارس ، گروه علوم تربیتی،ایران: narges@gmail.com

چکیده

سابقه و هدف: ارتباط عاطفی با فرزند موجب می‌شود که وی با والدین خویش صمیمی باشد، به آنان اعتماد کند و آنان را پناهگاه خویش در بحران‌های زندگی بداند. مواد و روشها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است و پس از بررسی مفاهیم با ارائه نتایج به پیشنهادات کاربردی پرداخته شده است. روش تحقیق حاضر توصیفی و روش گردآوری اطلاعات آن، کتابخانه ای است. بدین صورت که از منابع کتابخانه ای نظیر: کتاب، مقاله، منابع خارجی و ... و آموخته‌های محقق استفاده شده است. یافته‌ها: از نظر این پژوهش از نکات بسیار مهمی که والدین باید در این زمینه به آن توجه داشته باشند این است که از زیاده روی و افراط در محبت بپرهیزند که این خود نیز مشکلاتی را به دنبال خواهد داشت. ارتباط عاطفی با فرزند موجب می‌شود که وی با والدین خویش صمیمی باشد، به آنان اعتماد کند و آنان را پناهگاه خویش در بحران‌های زندگی بداند. نتیجه گیری: از مباحث ایراد شده نتیجه گرفته می‌شود که نابسامانی خانواده، اختلاف و درگیری بین والدین، عدم رابطه صمیمی میان اعضای خانواده به ویژه والدین، در نتیجه فقدان امنیت و آرامش در خانواده، تربیت صحیح فرزند را تهدید و به مخاطره می‌اندازد. کلیدواژه‌ها: حقوق کودکان ، خانواده ، امنیت و آرامش.

مقدمه

خداوند در قرآن کریم، خطاب به پیامبرش می‌فرماید: «به خاطر رحمت خدا بود که تو با آنان ارتباط صمیمی و مهرآمیزی پیدا کردی، اگر خشن بودی، هیچ کس دور تو جمع نمی‌شد» در این میان والدین بسیاری هستند که به فرزندان خود محبت فراوان دارند اما آن را ابراز نمی‌کنند. محبت وقتی سازنده و تأثیرگذار خواهد بود که فرد مورد محبت از آن آگاهی یابد، این نیاز، را می‌توان به شکل های گوناگون از جمله بوسیدن کودک، در آغوش گرفتن، گفتن جملات زیبا و محبت آمیز، خریدن هدیه و اسباب بازی و... برآورده کرد [۱].

خداوند در سوره منافقون مسلمانان را از محبت و علاقه زیاد به مال و فرزند که باعث غفلت از یاد خدا می‌شود، برحذر می‌دارد و می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید مبادا اموال و فرزندان، شما را از یاد خدا غافل گرداند و هر کسی چنین کند از زیان کاران است» محبت زیاد و بی جا، موجب ناز پروردگی، لوس بار آمدن و از خود راضی شدن کودک می‌شود و به سبب وابستگی شدید کودک به والدین، فرزندان را از کسب استقلال باز می‌دارد و در حقیقت زمینه ضعف و سستی کودک و عدم شکیبایی و پایداری او در مقابل مشکلات را فراهم می‌کند [۲].

مواد و روشها

پژوهش حاضر یک پژوهش کاربردی است که با استفاده از روش پژوهش کیفی از نوع تحلیل محتوای استقرایی انجام گردیده است. در این مطالعه برای استخراج و تدوین مطالب از روش سه سو سازی استفاده گردید؛ یعنی مطالعه با بهره گیری از پژوهشهای مربوط و مبانی نظری انجام شد. این روش تحقیق از نوع روش تحقیق نظری است که با روش تحلیل محتوا و با رویکرد کیفی انجام گرفته است. ابزار جمع آوری اطلاعات، فیشهای برداشت شده از کتب گوناگون و از طریق مطالعه کتابخانه ای بوده است. قلمرو تحقیق، کلیه منابع اصلی و دست اول و همچنین منابعی بوده است که دیگران به صورت نقد در خصوص آنها تدوین نموده و به زبان های انگلیسی و فارسی بوده است. در این مورد محقق به سراغ منابع اولیه و و کتاب ها، آثار و نوشته های دست اولی که به طور مستقیم و غیر مستقیم به موضوع اشاره نموده رفته است. بر اساس تحلیل منابع، یافته های پژوهش را ارائه داده است و در نهایت این یافته ها را مورد بحث قرار داده است. شیوه انتخاب منابع که مبنای تحلیل قرار گرفته است، عمدتاً اصالت منبع، موثق بودن و مرجعیت نویسنده یا نویسندگان بوده است. همچنین قابلیت دسترسی به منابع نیز وجهه نظر قرار گرفته است و در پایان به جمع بندی و نتیجه گیری بحث می پردازیم.

مبانی نظری

حقوق کودکان

۱. والدین، مسئول اصلی رعایت حقوق کودک

در کنوانسیون حقوق کودک، بیشترین مسئولیت در رعایت حقوق کودک بر دوش والدین نهاده شده است، چنان که در ماده ۱۸، کشورهای طرف کنوانسیون متعهد شده اند: «بیشترین تلاش خود را برای تضمین به رسمیت شناختن این اصل که پدر و مادر کودک، مسئولیت مشترکی در زمینه رشد و پیشرفت کودک دارند، به عمل آورند. والدین یا قیم قانونی، مسئولیت عمده را در رشد و پیشرفت کودک به عهده دارند و اساسی ترین مسئله آنان، (حفظ) منافع عالییه کودک است [۳].

در آموزه‌های آسمانی اسلام نیز بیشترین مسئولیت در قبال کودک، بر دوش والدین است که به آن «حق الوالد علی الوالد» می‌گویند، چرا که کودک، برکت خانه و نعمت و حسنه‌ای است که خداوند به پدر و مادر ارزانی کرده است. از این رو، قدر و جایگاه آن را باید بدانیم و به وظایف خود در برخورد با این نعمت الهی عمل کنیم در غیر این صورت، عاق فرزندان خواهیم بود [۴].

۲. اسلام و سفارش به رعایت حقوق کودکان

در آموزه‌های آسمانی اسلام، همه کودکان از دختر و پسر، حقوق و مزایای معینی دارند و همگان از اعمال هرگونه خشونت و بی‌رحمی در حق آنان باز داشته شده‌اند. این در حالی است که پیش از اسلام، میان اعراب و دیگر اقوام، کودکان در

وضع نامناسبی قرار داشتند و از کمترین حقوق عادی نیز بهره‌مند نبودند. آنان با هر بهانه کوچکی از جمله رهایی از فقر و هزینه زندگی، آن‌ها را از میان بر می‌داشتند. در این میان، شرایط دختران بسیار دردناک‌تر بود. بزرگان عرب و افراد سرشناس، داشتن دختر را برای خود ننگ و عار می‌دانستند. آنها را زنده به گور می‌کردند، چنان که خداوند در قرآن می‌فرماید: «و هرگاه یکی از آنان را به دختر مژده دهند، چهره اش سیاه می‌شود، در حالی که خشم [او اندوه] خود را فرو می‌خورد و از بدی آنچه بدو بشارت داده شده، از قبيله [خود] روی می‌پوشانند که آیا او را با خواری نگاه دارد، یا در خاک پنهانش کند؟ و چه بد داوری می‌کنند. (نحل: ۵۸ و ۵۹) [۵] اسلام با آمدن خود، در قالب تعبیرهای زیبا در این مورد، نه تنها مردم را از آن عادت‌های زشت باز داشت، بلکه ارزش کودکان را در جامعه افزایش داد و از پدران و مادران خواست که به بهانه‌های واهی فرزندان خود را نکشند و با آنها دل‌سوز باشند، آنجا که در قرآن آمده است: «و از بیم تنگ دستی فرزندان خود را نکشید، ماییم که به آنها و شما روزی می‌بخشیم. آری، کشتن آنان همواره خطایی بزرگ است». (اسراء: ۳۱) همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «از ما نیست، کسی که به خردسالان رحم نکند» [۶].

نکته قابل توجه این است که این حمایت‌ها از حقوق کودکان، زمانی مطرح شد که هیچ نهاد، سازمان یا کنوانسیون بین‌المللی برای دفاع از حقوق کودکان وجود نداشته است و اسلام با در نظر گرفتن همه نیازهای اولیه جسمی، روحی و روانی کودکان و دفاع از آنان، زمینه را برای رشد و پیشرفت کودکان در همه جوانب فراهم آورده است [۷].

۳. انتخاب نام نیکو

بنا بر بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون حقوق کودک: «تولد کودک، بلافاصله پس از تولد وی باید ثبت شود و از حقوقی مانند داشتن نام، کسب تابعیت و در صورت امکان، شناسایی والدین بهره‌مند باشد.» در اسلام نیز یکی از نخستین وظایفی که بر عهده والدین، پس از تولد نوزاد نهاده شده، انتخاب نام نیکو و مناسب برای کودک است. امام رضا علیه السلام در این باره می‌فرماید: «نخستین امری که پدر از آن راه به فرزندش احسان و نیکی می‌کند، انتخاب نام نیکوست. پس هر یک از شما برای فرزند خود نام نیکو قرار دهید [۸] همچنین رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «حق فرزند بر والدین، آن است که نام او را نیکو انتخاب کند [۹] در واقع، انتخاب نام نیکو برای فرزند، در اسلام نوعی احسان و نیکی خوانده می‌شود که والدین به او روا می‌دارند، چرا که هم بخشی از نیازهای روحی و روانی کودک برآورده می‌شود و به او شخصیت و اعتبار می‌بخشد و هم او را از توهین و استهزای دیگران در حق وی دور می‌کند. از نگاه اسلام، نام زیبا و نیک حتی می‌تواند، برای کودک امنیت و آسایش روانی پدید آورد. چنانچه در روایت است: وقتی امام صادق علیه السلام شنید کسی نام فرزند خود را محمد نهاده است، فرمود: «به کودک خود دشنام مده، او را کتک زن و به او بدی نکن» [۱۰].

۴. تأمین خوراک و تغذیه مناسب برای کودک

بهره‌مندی از تغذیه و خوراک مناسب، از حقوق مسلم کودک و برطرف کننده نیاز جسمی اوست. براساس بند «ج» ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک، کشورهای طرف کنوانسیون متعهد شده‌اند: «مبارزه با بیماری‌ها و سوء تغذیه را از راه فراهم کردن مواد غذایی مقوی و آب آشامیدنی سالم دنبال کنند». در اسلام، بنا به فرموده رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله: «هیچ کاری بهتر از سیر کردن شکم گرسنه نیست» و اگر این شکم گرسنه از آن فرزندان و کودکان او باشد، از وظایف و حقوق اوست، چنانچه رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «از حقوق فرزند بر پدر، آن است که جز غذای پاک و خوب به او ندهد [۱۱] البته اگر والدین توانایی تأمین مواد غذایی مناسب را نداشته باشند، این وظیفه دینی افراد جامعه است که نیازهای غذایی آنان را تأمین کنند، چنانچه رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هر کس سیر بخوابد و همسایه او در کنارش گرسنه باشد و او بداند، به من ایمان ندارد» [۱۲].

۵. حق تحصیل در اسلام

فراگیری دانش یک فریضه است، به گونه‌ای که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به مردم سفارش می‌کند: «از گهواره تا گور دانش بچویند» و آموختن دانش (خواندن و نوشتن) را از جمله حقوق فرزندان بر والدین می‌داند و می‌فرماید: «از جمله حقوق فرزند بر پدر، آموختن نوشتن است [۱۳].

در واقع، پدر و مادر زمانی فرزند خود را احترام می‌کنند که به او سواد خواندن و نوشتن و آداب معاشرت بیاموزند و از آنجا که شخصیت کودک در مراحل نخستین زندگی، در خانواده شکل می‌گیرد، آموختن دانش (خواندن و نوشتن) به کودکان، بر عهده والدین نهاده شده است تا در ابتدای زندگی، آنها را به سلاح دانش مسلح کنند تا به وسیله آن بر مشکلات آینده چیره شوند و این، کوچک‌ترین وظیفه‌ای است که از والدین انتظار می‌رود تا در حق فرزند خود روا دارند. امروزه در جهان توسعه یافته، مراحل نخستین سوادآموزی، امری اجباری است و در این راه، گام‌های مؤثری نیز برداشته شده است و در کنوانسیون حقوق کودک، بر اساس بند ماده ۲۸، کشورهای طرف کنوانسیون متعهد شده‌اند: «حق کودک را در قبال آموزش و پرورش به رسمیت بشناسند و برای دستیابی تدریجی به این حق و بر اساس ایجاد فرصت‌های برابر اقدام‌هایی مانند: اجباری و رایگان کردن تحصیلات ابتدایی برای همگان، تشویق شکل‌های گوناگون آموزشی متوسطه و در دسترس قراردادن آموزش عالی برای همگان براساس توانایی‌ها و به شیوه مناسب را معمول دارند» [۱۴].

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز حقوق تحصیلی برای کودکان و عموم مردم به رسمیت شناخته شده است، چنانچه بنا بر اصل سی‌ام قانون اساسی: «دولت موظف است، وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد» [۱].

۶. حق تفریح و بازی

یک ضرب المثل انگلیسی می‌گوید: «اگر کودکی را همیشه به کار و داری و از بازی و ورزش محروم کنی، عاقبت احمق می‌شود». اگرچه این مثل اغراق آمیز به نظر می‌رسد، واقعیت این است که حرکت و جنبش، اساس هر عمل غریزی و پایه وظایف زندگی است. به ویژه در دوران خردسالی و کودکی که زیربنای بنیه جسمی انسان را پی‌ریزی می‌کند. از این رو، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «باید هفت سال نخست زندگی کودک، آزادانه به بازی و جنبش بدنی صرف شود». در واقع، در مراحل نخستین زندگی، نباید از کودکان انتظار داشت که دنیای سرشار از شادی و نشاط خود را با دنیای بزرگ‌ترها جا به جا کنند، بلکه باید آنها را در بازی و تفریح آزاد گذاشت تا به تندرستی و سلامتی آنها آسیب وارد نشود. حتی بنا به سفارش رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، باید در بازی‌های کودکانه نیز آنها را یاری داد، چنان که می‌فرماید: «کسی که کودکی نزد اوست، باید رفتار کودکانه را در پیش گیرد». اسلام، حتی آموزش بازی‌ها و ورزش‌هایی مانند سوارکاری، شنا و تیراندازی به فرزندان را از وظایف والدین می‌داند. در این زمینه، رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «حق فرزند بر پدر آن است که نوشتن، شنا کردن و تیراندازی را به او بیاموزد» [۲].

در بند ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق کودک نیز آمده است: «کشورهای طرف کنوانسیون، حق کودک را برای تفریح، آرامش، بازی، فعالیت‌های خلاق مناسب سن خود و شرکت آزادانه در حیات فرهنگی و هنری به رسمیت می‌شناسند» [۳].

۷. پرهیز از اعمال خشونت جسمی و روحی به کودک

خشونت جسمی و روحی، یکی از عوامل تخریب شخصیت کودکان است. به همین سبب، بنا بر بند ۱ ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق کودک، کشورهای طرف کمیسیون متعهد شده‌اند: «اقدام‌های قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی را در جهت حمایت از کودک در برابر همه شکل‌های خشونت جسمی و روحی، آسیب‌رسانی و سوءاستفاده به عمل آورند». در دین اسلام نیز به این مهم توجه جدی شده است [۴] چنان که وقتی مردی در حضور امام علی علیه السلام از فرزند خود شکایت کرد، امام علیه السلام فرمود: «او را زن، بلکه از او دوری کن (قهر کن)، ولی نه طولانی» [۵].

در واقع، این حدیث بیان می‌کند که اگر تنبیه برای تربیت کودک انجام می‌گیرد، بهتر آن است که این تنبیه، تنبیه بدنی نباشد، بلکه از عواطف کودک استفاده شود، چرا که تنبیه بدنی، زمینه‌ساز مشکلات روحی و عاطفی فراوانی همچون سرخوردگی و تخریب شخصیت کودکان می‌شود، ولی زمانی که از کودک دوری شود، او خود، به مرور به اشتباه خود پی می‌برد. البته این دوری نباید طولانی شود، چرا که ممکن است از یک سو روی عواطف کودک اثر عمیق بگذارد و زمینه‌ساز مشکلات روحی شود و از سوی دیگر، بر اثر طولانی بودن، از تأثیر این ابزار تربیتی کاسته شود. بنابراین، امام علیه السلام پس از دستور دادن به دوری، بی‌درنگ سفارش می‌کند که این فاصله گرفتن والدین، طولانی نشود [۶].

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «خداوند به هیچ چیز خشم نمی‌گیرد، آن چنان که به خاطر زنان و کودکان خشم می‌گیرد» [۷]

۱.۸ احترام به مقام کودک

کودکان مانند هر انسان دیگری دوست دارند، محبوب واقع شوند و به شخصیت آن‌ها احترام گذارده شود. از این رو، رسول خدا صلی الله علیه و آله سفارش می‌کند: «دوست بدارید کودکان خود را و به آنها ترحم و به وعده خود به آنان وفا کنید» [۸] همچنین می‌فرماید: «وقتی نام فرزندان را می‌برید، او را گرمی دارید و جای نشستن را برای وی باز کنید و با او ترش رو نباشید» [۹] باز می‌فرماید: «اگر کسی فرزند خود را بیوسد، حسنه‌ای برای او نوشته می‌شود.» [۱۰]

پرورش فضایل اخلاقی

آموزش فضایل اخلاقی در کودکان باعث رشد شخصیت آنها و پرورش روح و روان کودکان می‌شود. با آموزش فضایل اخلاقی می‌توان در برابر رذایل اخلاقی، به خوبی مقاومت کرد و آنها را نابود ساخت. در این مبحث به برخی از فضایل اخلاقی اشاره می‌شود.

حیا:

حیا در روایات، هم ردیف با دین معرفی شده است. پیامبر اکرم می‌فرماید: «حیا، تمام دین است [۱۱]» حیا، حالت روحانی است که از ترس و عفت ترکیب شده است. روان‌شناسان، با تأکید بر تربیت جنسی کودکان در محیط خانواده، از طریق ایجاد حیا در دختران و پسران می‌نویسد: حیا، خصلتی مهم در وجود انسان و مهارت نگهداری خویشتن در اجتماع به صورت شایسته و متواضعانه و خودداری و تحمل است. اساس عفت و پاکدامنی، حیاست. حیا در گفتار و رفتار و کردار باعث بزرگ منشی و وقار است. این خصلت را باید خیلی زود در کودکان پرورش داد. برای این منظور، خانواده باید دارای شرایط مساعدی باشد. حیا، باعث احترام و عفت نسبت به جنس مخالف می‌شود [۱۲]

اکنون به اختصار به شیوه‌های پرورش حیا نگاهی می‌اندازیم:

الف - الگو دهی عملی والدین:

والدین، معلمان فرزندان در تعلیم آموزه‌های اخلاقی هستند. کودکان همواره سعی می‌کنند که خود را به پدر و مادر شبیه کنند و به آنها نزدیک‌تر شوند. والدینی که از حیا برخوردارند و این خصیصه را در وجود خود پرورش می‌دهند، زمینه‌ی رشد این صفت را در فرزندان خود نیز به وجود می‌آورند. والدین نباید اعمالی انجام دهند که حیا را در کودکان از بین ببرد. اعمالی چون، ظاهر شدن در حضور کودکان با لباس‌هایی نازک یا نیمه‌عریان، شوخی‌ها و خنده‌های زننده در برابر نامحرمان [۱۳].

ب - تبیین پیامدهای حیا:

والدین، علاوه بر اینکه خود باید الگویی عملی در مقید بودن به حیا باشند وظیفه دارند به پیامدهای خوشایند این خصلت و حکمت‌های موجود در این فضیلت در برابر کودکان اذعان کنند. امام علی (ع) می‌فرماید: حیا، انسان را از انجام دادن کارهای زشت، باز می‌دارد [۱۴]

ج - اظهار انزجار از عمل قبیح:

اظهار تنفر و ناراحتی از طرف والدین، در قبال کارهای ناشایست کودکان می‌تواند شیوه‌ی خوبی برای جلوگیری از این کارهای ناشایست در آینده باشد. از این رو، زمانی که کودکان به عمل قبیحی دست می‌زنند، نباید به آنها لبخند بزنند و یا حتی سکوت کنند بلکه باید از این رفتارها اظهار ناراحتی نمایند تا کودکان متوجه زشتی عمل خود شوند. البته والدین نباید در این عمل دچار افراط و تفریط شوند و کودکان را بیش از اندازه مورد آزار قرار دهند [۱]

عفت

عفت (پاکدامنی) حالت نفسانی است که باعث می‌شود شهوات و هواهای نفسانی نتوانند بر انسان غلبه کنند و عقیف، یعنی خود نگهدار و با متانت. در روایات، عفت به معنای «ترک محرّمات جنسی آمده است. امام علی(ع) می‌فرماید: «عفت (خود کنترلی جنسی)، شهوت را ضعیف می‌کند. [۲]

امام صادق(ع) در حدیثی ضمن تأکید بر «الگو گیری» فرزندان، از والدین می‌فرماید، «در برخورد با زنان مردم، عقیف باشید، زنان و دختران شما هم پاک دامن می‌شوند. [۳] در این حدیث تأکید شده که پدری که عقیف باشد، حتی زن و دختر او نیز از او الگو برداری کرده و به دنبال گناه و معصیت نمی‌روند.

تکریم و احترام به کودک

احترام و تکریم شخصیت انسان یکی از شیوه‌های تربیتی آیین حیات بخش اسلام است و آموزه‌های قرآنی برپایه و اصول احترام به انسان و کرامت انسانی بنا نهاده شده است. خداوند متعال در قرآن کریم انسان را مورد تکریم و ستایش خود قرار داده، می‌فرماید: ما فرزندان آدمی را گرامی داشتیم و آن‌ها را در خشکی و دریا بر مرکب‌های راهوار سوار کردیم و از انواع غذاهای پاکیزه به آنان روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات برتری بخشیدیم» از نظر اسلام کودکان و نوجوانان هم شایسته کرامت و احترام هستند و باید به احساسات آنان احترام گذاشت. والدین در این خصوص وظیفه مهم و خطیری برعهده دارند آنان باید شخصیت کودک را مورد توجه قرار داده، براساس اصل کرامت و حرمت انسان با او رفتار کنند [۴].

تشویق و تنبیه

تشویق و تنبیه از جهاتی مانند ایجاد بیم و امید و بشارت و انذار یک روش تربیتی است، اما تفاوت‌های ظریف و لطیفی میان این شیوه‌ها و روش‌ها وجود دارد. در وعده اصل آن است که تخلفی صورت نمی‌گیرد ولی وقتی وعیدی داده شد، ممکن است مربی از آن استفاده نکند و بگذرد. هم چنین در تشویق و تنبیه میزان مشوق‌ها و تنبیهات بیان نمی‌شود و به کلی گویی می‌توان بسنده کرد، ولی در وعده و وعید می‌بایست میزان تشویق و تنبیه مشخص شود. هم چنین همواره بشارت مقدم بر انذار است (انعام، آیه ۱۴۷، فصلت، آیه ۴۳) [۵] و تا جایی که می‌توان از انذار استفاده نمی‌شود، دیگر آن که اگر بر بشارت چند بار تأکید می‌شود انذار از نسبت کم تری برخوردار خواهد بود. از این روست که در آیات قرآنی همواره شمار و تعداد بشارت بیش تر از انذار بوده و دیگر آن که تا با محبت و تشویق و بشارت می‌توان کاری را پیش برد به سراغ تنبیه و انذار نمی‌روند. نکته دیگر آن که درباره همان گونه به ویژه انسان‌هایی که از نظر فکری و رفتاری از خرد خود بهره نمی‌برند و بر اساس تقلید و مانند آن عقاید و رفتارهایی دارند، با نگاهی کریمانه با آنان برخورد می‌شود و به جای تنبیه اصل تشویق مورد توجه قرار می‌گیرد و به جای آن که در پاسخ بدی آنان به بدی پاسخ داده شود با آنان رفتاری بهتر و پسندیده تر در پیش گرفته می‌شود تا شخص مسیر هدایت و اصلاح و درستی را بیابد و از مسیر غلط و نادرست بیرون آید. (فرقان، آیات ۶۳ و ۷۵) [۶]

نیاز فطری و طبیعی فرزندان به بازی و سرگرمی‌های سالم

قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ أَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعْ وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَنَّ تَذَهُبُوا بِهِ وَأَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ قَالُوا لَئِنْ أَكَلَهُ الذِّئْبُ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّا إِذًا لَخَاسِرُونَ (۱) - يوسف / ۱۱ تا ۱۴

(برادران نزد پدر آمدند و) گفتند پدر جان! چرا تو درباره یوسف به ما اطمینان نمی‌کنی در حالی که ما خیر خواه او هستیم؟ او را فردا با ما بفرست تا غذای کافی بخورد و بازی و تفریح کند و ما حافظ او هستیم.

(پدر) گفت من از دوری او غمگین می‌شوم و از این می‌ترسم که گرگ او را بخورد و شما از او غافل باشید. گفتند: اگر او را گرگ بخورد با اینکه ما گروه نیرومندی هستیم، ما از زیانکاران خواهیم بود.

در این آیات، یعقوب پیامبر در برابر استدلال فرزندان نسبت به نیاز یوسف به گردش و تفریح، هیچ پاسخی نمی‌دهد و عملاً آن را می‌پذیرد. این خود دلیل بر آن است که داشتن بازی و سرگرمی سالم برای فرزند، یک نیاز فطری و طبیعی است و نباید از آن جلوگیری کرد. [۷]

قرآن کریم در آیه دیگری هم به بازی و مسابقه فرزندان یعقوب با یکدیگر تصریح می کند. (قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ) گفتند: ای پدر ما رفتیم و مشغول مسابقه شدیم (یوسف/۱۶)
 کوتاه سخن اینکه نباید در این مورد سخت گیری نموده و به بهانه های غیرموجه مانع بازی و سرگرمی های سالم و کودکان و نوجوانان شد. [۸]

گذشت و چشم پوشی از خطاهای فرزندان در صورت ندامت

قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ - یوسف / ۹۸ و ۹۷
 گفتند: پدر، از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه که ما خطاکار بودیم. گفت به زودی برای شما از پروردگرم آمرزش می طلبم که او غفور و رحیم است.

یوسف در برابر اظهار ندامت برادران گفت يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ (۵)، خداوند شما را بیمارزد، ولی یعقوب به هنگامی که آنها نزد او اعتراف به گناه و اظهار ندامت کردند و تقاضای استغفار نمودند، می گوید: بعدا برای شما استغفار خواهم کرد و ظاهرا همانگونه که در روایات وارد شده هدفش این بوده است که انجام این تقاضا را به سحرگاهان شب جمعه که وقت مناسبتری برای اجابت دعا و پذیرش توبه است، به تاخیر اندازد. (یوسف/ ۲۶) (تفسیر نمونه، ج ۱۰/ ص ۷۵) [۹]
 یک قاعده و مطلب کلی اینست که فرزندان باید بیازمایند تا راه را از چاه، و صواب را از ناصواب تشخیص دهند. یک کودک یا نوجوان یا جوان برای کشف نیازها، استعدادها و تواناییهای ناگزیر از آزمون و خطاست فلذا خطا و اشتباه او نیز امری اجتناب ناپذیر است و باید با دادن فرصتهای دوباره زمینه شکوفایی و پیشرفت آنها را فراهم ساخت [۱۰].

تربیت صحیح

از مهمترین حقوق فرزند بر والدین، تربیت صحیح او است. بر اساس آیات و روایات اسلامی، سرپرست خانواده، اعم از پدر و مادر نسبت به تربیت دینی فرزندان خود مسؤولیت سنگینی دارند [۱۱] (لسان العرب) خدای متعال خطاب به مؤمنان از پیامدهای اخروی این مساله خیر داده و به آنان هشدار می دهد: «ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگ ها است، نگهدارید.» (تحریم: ۶). [۱۲] نگهداری خویشتن از طریق ترک معاصی و تسلیم نشدن در برابر شهوات سرکش میسور است. نگهداری خانواده نیز به وسیله تعلیم و تربیت درست و فراهم ساختن محیط پاک و به دور از هرگونه آلودگی فکری و عملی حاصل می شود، [۱۳] آیه ((یا ایها الذین آمنوا قُوا أَنْفُسَكُمْ و أهلیکم ناراً و قُودها النَّاسُ و الْحِجَارَةُ)) به گونه ای که آن ها را به آنچه خدا دستور داده امر و از آنچه نهی کرده باز دارید [۱۴].
 انجام این مهم با استفاده از شیوه های جدید تربیتی و توجه دقیق والدین به تربیت دینی فرزندان در محیط خانه و سرمایه گذاری لازم در این زمینه، آثار مهم تربیتی از لحاظ فردی و اجتماعی بر کودک و اطرافیان او به جای خواهد گذاشت. مثلا کودکی که با خدا آشناسست تکیه گاه محکمی خواهد داشت و با همین تکیه گاه، در برابر مشکلات استقامت می کند. برکت تربیت دینی کودک به والدین نیز می رسد. به گونه ای که کودک تربیت شده دینی، با والدین خود خوب رفتار کرده و با سخنان زیبا و پرمحتوایی که بر زبان جاری می سازد سبب افتخار والدین خود می باشد [۱].

الف- سن مناسب برای تربیت دینی

بهترین زمان برای این امر، دوران نو نهالی است، که در آن فطرت خدا جویی فرد دست نخورده است.
 ۱. نخستین آموزش ها پس از تولد (البته به صورت غیر مستقیم) با گفتن اذان و اقامه در گوش راست و چپ نوزاد، با القای آموزه های توحید، نبوت، امامت و... شروع می شود.
 ۲. آموزش مستقیم ارزش های دینی از دو سالگی آغاز می شود، زیرا حس مذهبی در کودک از این سن آغاز می شود. در ابتدا و به مرور صلوات بر محمد و آل محمد، لا اله الا الله، حب نبی صلی... علیه و اله، حب اهل بیت علیهم السلام، تلاوت قرآن و خوبی و بدی، وضو، نما، محرم و نامحرم و... را به کودک بیاموزید. [۲]

ب- نقش زمان و مکان در تربیت دینی

بهترین زمان القای آموزه های دینی، زمان شادابی کودک است. توجه داشته باشید که القای ارزش ها در هنگام خواب آلودگی، و اضطراب کودک، نه تنها تثبیتی به دنبال نخواهد داشت بلکه ممکن است مقاومت روانی کودک را نیز در پی داشته باشد [۳].

۱- از زمان شادابی کودک (زمانی که به او هدیه ای می دهید، به مسافرت، پارک، دریا، جنگل، کوه، سینما و...) برای آموزش وی استفاده نمایید، زیرا موقعیت های زمانی و مکانی خوب، باعث می شود که کودک بدون کمترین مقاومت روانی، پذیرای ارزش های دینی باشد.

۲- سعی کنید آموزش ارزش ها با موقعیت های گوناگون تناسب داشته باشد، برای مثال از زمان هدیه دادن برای آموزش شکر و از زمان حضور در جنگل و دریا برای آموزش قدرت و عظمت خداوند استفاده نمایید [۴].

ج- راه کارهای تثبیت آموزه های دینی در کودکان

۱- تداوم والدین در عمل به آموزه های دینی

۲- تهیه امکانات: امکانات جذابی چون سجاده زیبا، تسبیح، چادر، مقنعه، قبله نما و... عامل تشویقی موثری در تثبیت آموزه های دینی در کودکان است.

۳- تمرین: امروزه تمرین در صنعت، هنر، ورزش و... نقش بسزایی ایفا می کند که عبادت و ارزش های دینی از این مقوله مستثنا نیست. بیدار کردن کودک در سحر ماه مبارک رمضان، اعطای صدقه با دست کو دکان و... نمونه هایی از این تمرینات هستند [۵].

۴- حضور در محافل مذهبی: شرکت در محافل مذهبی ایام رمضان، محرم و صفر، دعای کمیل، دعای ندبه و... سبب تثبیت آموزه های دینی می شود. البته باید مواظب بود که از بردن فرزند در جلسات طولانی خودداری شود زیرا موجبات کسالت و دلزدگی را در او ایجاد می کند.

۵- ارتباط با افراد و خانواده های متدین و مذهبی.

۶- الگو دهی مناسب که خود بهترین آموزش است [۶].

۷- تشویق و تحسین، به شرط آنکه حالت مزد و پاداش به خود نگیرد. برای این کار بهتر است تشویق ها اعم از مادی و معنوی (بوسیدن، نوازش، توجه، نگاه محبت آمیز و...) باشد. سعی کنید تشویق های مادی شما به صورت نامنظم باشد تا سبب تاجرانه شدن عبادت آنان نشود.

۸- آموزش ارزش های دینی را با خاطره خوش برای کودکان همراه سازید و از داد و فریاد و... در این زمینه بپرهیزید.

۹- به دلیل عدم مقاومت روانی زیاد کودکان القای ارزش های دینی، تا حدود ۶ سالگی به طور مستقیم، ممکن است، اما بهتر است که از این سن به بعد از روش های غیر مستقیم مثل (داستان، شعر، شرح حال بزرگان، فیلم، کارتون و نمایشنامه) استفاده کنید [۷].

بحث و نتیجه گیری

از مباحث فوق نتیجه گرفته می شود که پرورش صحیح فرزندان بدون توجه به ایجاد فضای سالم و مناسب و آرام میسر نمی شود. حساس ترین وظیفه پدر و مادر در برابر فرزندانشان، تربیت صحیح آنان است. اسلام شخصیت آینده کودک را مرهون تربیت و پرورش و مراقبت پدر و مادر می داند و برای تمام لحظات زندگی و دوران عمر افراد، دستورات خاص و مقررات ویژه ای دارد. یکی از مسائل مطرح شده در اسلام، مسئله وظایف والدین در تربیت فرزندان است که در نظر قرآن جایگاه ویژه ای دارد. خداوند متعال در سوره فرقان یکی از ویژگی های بندگان راستین را توجه خاص به تربیت فرزند و خانواده خویش می داند تا آن جا که آنها برای خود در برابر آنها احساس مسئولیت فوق العاده ای می کنند

منابع و مأخذ

- [۱] آلوسی، روح المعانی (۱۴۰۵ ق)، بیروت، احیاء التراث عربی
- [۲] بابازاده، علی اکبر (۱۳۷۶) تحلیل سیره فاطمه الزهرا، بی جا، انصاریان
- [۳] باقری، خسرو (۱۳۸۴)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۲، تهران، انتشارات مدرسه
- [۴] بختیار نصر آبادی، حسنعلی (۱۳۸۸) نگاهی به اصول و راهبردهای تربیت کودک با تأملی بر آیات و روایات، اصفهان، دانشگاه اصفهان
- [۵] بستانی، محمود (۱۳۷۲ ش) اسلام و روان شناسی، ترجمه محمود هوشم، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، مشهد
- [۶] بهشتی، احمد (۱۳۷۷) تربیت کودک در جهان امروز، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم
- [۷] بهشتی، احمد (۱۳۷۷) اسلام و حقوق کودک، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم،
- [۸] پارسا، محمد (۱۳۷۴) روان شناسی تربیتی، انتشارات سخن
- [۹] پسندیده، عباس، (۱۳۸۹ ش)، اخلاق پژوهی حدیثی، تهران، سمت، چاپ دوم
- [۱۰] تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶)، الف، غُرَّرَ الْحِکْمَ و دُرَّرَ الْکَلِمَ، شرح آقا جمال خوانساری، چ ۴، تحقیق جلال الدین حسینی ارموی محدث، تهران، دانشگاه تهران
- [۱۱] توکل، ر (۱۳۸۲)، روزه‌ای به سوی اسرار الهی، قم، شاکر
- [۱۲] جباری، ا (۱۳۷۹)، هدایه المتقین الی المعاد، شیراز انتشارات نوید
- [۱۳] جعفری، محمدتقی، (۱۳۶۲ ش)، تفسیر نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، جیمز، ویلیام، (بی تا)، دین و روان، مترجم مهدی قایینی، تهران، انتشارات دار الفکر
- [۱۴] جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰)، حکمت علوی، به کوشش سعید بندعلی، قم، اسراء